

سلام کودکانه

دو بار اشتباه نکنین

سلام. تا حالا شده یک کار اشتباه بکنین. مثلاً وقتی دارین توپ بازی می‌کنین حواستون نباشه و توپ به گلدون بخوره و گلدون قشنگ مامان رو بشکنین. روی فرش تمیزتون چایی بریزین یا...

وقتی این طوری می‌شه چه کار می‌کنین؟

من مطمئنم خیلی زود می‌رین راستش رو می‌گین و معذرت خواهی می‌کنین.

هیچ کدوم از شما دو بار اشتباه نمی‌کنین. خوب می‌دونین این اشتباهه که راستش رو نگیین و پنهان کاری کنین.

یک اشتباه، خیلی بزرگ‌تر از اشتباه اولی که انجام دادین. مگه نه؟



ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و...
۰۹۳۵۴۳۹۱۴۵۷۶ ۲۰۰۰۹۹۹

یک خبر خوب

پاستار یونی یک فیلم خوشمزه برای بچه‌ها

دوستان گلم امروز می‌خوام یک فیلم خوب بهتون پیشنهاد بدم. «پاستاریونی» داستانی که پسر شیرین زیون اصفهانیه که می‌خواد رستوران پدرش رو از ورشکستگی نجات بده برای همین با کمک دوست خوبش، عمه خانم بامزه اش و یک خانم سرآشپز مهربون دست به کار می‌شن تا پیتزافروشی پدر رو تبدیل به یک رستوران بکنن.



شعر

پرچم

عروسکم
ناز داره و قشنگه
لباس اون
سه رنگه

قرمز و سبز
دامنشم سفیده
قشنگ تر از عروسکم
کی دیده؟

دوش دارم
برام خریده مامان
اسم اونو
بابا گذاشته «ایران»

اسماعیل صوفی نژاد

فرقه

صفحه‌ای برای ۵ تا ۱۰ ساله‌ها

روزهای زوج

«زندگی سلام»



شهر قصه

باران گردو



درختان را نگاه کرد هیچ گردویی ندید.
خیلی ناراحت شد. رفت تا به درخت پیر رسید.

سنجایی را دید به او گفت:
«سلام دوست من. آیا تو یک دانه گردو داری به من بدهی؟»
سنجایی لحظه‌ای فکر کرد و گفت:
«نه. من هیچ گردویی ندارم.»

موش موشی سرش را پایین انداخت و گوشه‌ای نشست. در همین لحظه صدایی شنید. زمین شروع کرد به لرزیدن. موش موشی خیلی ترسید. کمی هم لرزید.

فریاد زد: «سنجایی بیا ازین جا فرار کنیم. زمین داره می‌لرزه.» سنجایی از خانه اش بیرون آمد و گفت: «زمین لرزه نیست فیلی و خرسی دارند باهم بازی می‌کنند.» در همین لحظه خرسی از کنار موش موشی رد شد، تا فیلی خواست رد

سنجایی خیلی گردو دوست داشت. خانه او روی یکی از شاخه‌های یک درخت پیر در جنگل بود. هر روز پنجره اتاقش را باز می‌کرد و درختان گردو را تماشا می‌کرد.

با خودش می‌گفت: «کاش تموم این گردوها فقط برای من بود.»

تموم خانه اش را پر از گردو کرده بود. موش موشی آن طرف جنگل زندگی می‌کرد. او هم خیلی گردو دوست داشت اما در آن طرف جنگل هیچ درخت گردویی نبود.

یک روز موش موشی به خانه سنجاب آمد تا کمی گردو بخورد، ولی هرچه

بشه خرطومش محکم به درخت پیر خورد. درخت پیر چند بار تکان خورد. پنجره خانه سنجایی کاملاً باز شد. گردوها دانه دانه بیرون افتادند.

موش موشی سرش را بلند کرد و گفت: «خدای من باران گردو. چه درخت پیر مهربانی! به من گردو می‌ده» بعد هم فریاد زد و گفت: «سنجایی باران گردو. بیا تماشا کن.»

سنجایی به سرعت از درخت پایین آمد. تمام زمین پر از گردو شده بود. سنجایی نگاهی به خانه اش کرد فراموش کرده بود پنجره اتاقش را ببندد. موش موشی جلو آمد و گفت این گردوها را درخت پیر مهربان به ما هدیه داده است. سنجایی که خوشحالی موشی را دید از کارش پشیمان شد و گفت: «ما هم تمام این گردوها رو به حیوانات جنگل هدیه می‌دیم. امروز جشن گردو می‌گیریم.»

نویسنده: فاطمه صفری

با من یاد بگیر

آموزش انگلیسی

دوستان خویم، می‌خوام چند تا لغت رو همراه با شعر بهتون معرفی کنم تا با این لغات و معادل انگلیسی شون آشنا بشین.

اون چیه که تو حمام
باهاش می‌شوری مو رو؟
کف می‌کنه، می‌خندی
نگاش بکن شامپورو



Shampoo

شامپو

Ball

توپ



اون چیه گردالیه
قل می‌دی روی زمین
وسيله فوتباله
توپه گلم، آفرین

اون چیه که سفیده
می‌ریزی توی غذا
زیاد بشه شور می‌شه
اون نمکه بچه‌ها



Salt

نمک

سرگرمی

جدول حروف الفبا

دوستان گلم نام ۱۰ حیوان در جدول زیر آمده است. آن‌ها را پیدا کنید.

(راهنمایی: اسم‌ها ممکنه از چپ به راست، راست به چپ، بالا به پایین و پایین به بالا باشن.)



سحر بهجو